

# ملاحم، ابن منادی و محمد در سب

مصطفی صادقی

## چکیده

کتاب‌های فتن و ملاحم از جمله منابع مهم درباره مهدویت به شمار می‌روند. تاب الملاحم نوشته احمد بن منادی از محدثان اهل سنت، از آن شمار کتاب‌هاست. این مقاله به بررسی و نقد این کتاب می‌پردازد که در قرن سوم تألیف شده است. از آن‌جا که از منابع مهم ابن منادی در این کتاب، کتابی با عنوان ملحمه دانیال بوده، آن کتاب نیز معرفی و نقد می‌شود. ملحمه دانیال را از پیامبران بنی اسرائیل می‌دانند، اما مطالب آن و اعتبار اصل کتاب تأمل‌پذیر است و نیاز به بررسی دارد.

در مورد کتاب ابن منادی نیز با توجه به دربرداشتن مطالبی، گاه بدون سند و گاه منحصر به فرد، نمی‌توان چندان ادعای اعتبار و قوت کرد. تحقیق و نشر این کتاب برعهده شیعیان بوده، اما مؤلف آن بنا به قراینی که در این مقاله مطرح می‌شود، از رجال اهل سنت است.

## واژگان کلیدی

ملاحم، ابن منادی، دانیال، آخرالزمان، علائم ظهور.



## مقدمه

ملاحم‌نگاری یا پیش‌گویی حوادث مهم، پیشینه‌ای به قدمت ادیان الهی دارد و در روایات اسلامی عنوان «ملاحم و فتن» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. محدثان و مؤلفان مسلمان از قدیم به این دو عنوان توجه داشته‌اند و به صورت‌های مختلف، به آن پرداخته‌اند. برخی ذیل کتاب‌های روایی خود، باب یا فصلی را به یکی از این عناوین اختصاص داده‌اند و برخی کتاب‌های مستقلی در این زمینه تألیف نموده‌اند.<sup>۱</sup>

مؤلفان شیعه غالباً از عنوان «ملاحم» استفاده کرده و حوادث آخرالزمان و نشانه‌های ظهور را در کتاب‌هایی با عنوان «الملاحم» آورده‌اند. در فهرست‌های نجاشی و شیخ طوسی بیش از بیست کتاب ملاحم نام برده شده که تنها در دو مورد تعبیر «الفتن» وجود دارد: یکی الفتن و الملاحم جعفر بن محمد فزاری و دیگری الفتن حسن بن علی بن ابی‌حمزه بطائنی<sup>۲</sup> که نجاشی پس از معرفی این کتاب توضیح می‌دهد مقصود همان ملاحم است. به نظر می‌رسد، عنوان «فتن» در میان اهل سنت و عنوان «ملاحم» در میان مؤلفان شیعه خصوصیتی داشته که در انتخاب نام کتاب به آن توجه کرده‌اند. این خصوصیت را می‌توان ناشی از اختلاف دیدگاه شیعه و اهل سنت درباره نظام حاکم دانست؛ زیرا بیشتر قیام‌ها که علیه دستگاه خلافت شیعیان (به معنای عام)، صورت پذیرفته، از دیدگاه اهل سنت فتنه به شمار می‌آید.

از آن‌چه گفته شد، در میان عناوین کتاب‌ها دو استثنا به چشم می‌خورد: یکی کتاب سید بن طاووس مشهور به ملاحم که نام اصلی

آن التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن است<sup>۳</sup> و دیگری کتاب ملاحم ابن منادی نام دارد. اما توجیه این نام‌گذاری روشن است؛ زیرا کتاب سید، بر سه کتاب فتن از اهل سنت به نام‌های الفتن ابن حماد، الفتن سلیمی و الفتن زکریا بن یحیی مشتمل است. از این رو، نام مجموعه را به روش آنان گزیده است. ابن منادی نیز با توجه به آن که شیعه نیست و شاید به دلیل تأثیرپذیری از کتاب ملاحم دانیال، کتاب خود را به روش معمول شیعیان نام‌گذاری کرده است.

از سوی دیگر، کلمه ملاحم، جمع «مَلَحَمَه» است و از دو ریشه گرفته می‌شود، گرچه بازگشت هر دو ریشه به یک اصل است: یکی چسبندگی و دیگری گوشت. اگر از ریشه اول گرفته شود، به معنای سختی نبرد است که در آن جنگ‌جویان به هم‌دیگر گلاویز می‌شوند و اگر از ریشه دوم گرفته شود به معنای قتل‌گاه است، کنایه از این که گوشت بدن انسان‌ها در آن می‌ریزد. در هر صورت مراد از ملحمه در این‌جا، حوادث و جنگ‌های خونینی است که در آینده رخ می‌دهد.<sup>۴</sup> بنابراین، ممکن است انتخاب نام ملاحم برای کتب شیعه در مقابل فتن، اشاره به فتنه نبودن ایستادگی در مقابل حاکمان غاصب و ظالم باشد که در آن، انسان‌های مبارز کشته می‌شوند.

آن‌چه در پی می‌آید، معرفی و نقد دو کتاب ملاحم است: یکی ملاحم ابن منادی و دیگری کتاب دانیال یا ملحمه دانیال که از منابع مهم ابن منادی در کتاب ملاحم به شمار می‌رود.

## درباره ابن منادی

ابوالحسین احمد بن جعفر بن محمد بن عبیدالله بن ابی داوود بغدادی معروف به ابن المنادی (۲۵۶-۳۳۶ قمری) از محدثان مشهور اهل سنت به شمار می‌رود. پدر بزرگش ابوجعفر محمد بن عبیدالله نیز با همین شهرت (ابن منادی) از رجال مشهور حدیث است. ابن عماد، جعفر بن محمد بن جعفر بن ابی داوود، عبیدالله را صاحب لقب «منادی» می‌داند.<sup>۵</sup> بنابراین، جعفر دوم را در نسب ابن منادی افزوده و عبیدالله را همان ابوداود دانسته است. اما سخن وی درباره صاحب لقب منادی درست نیست؛ زیرا جد مؤلف نیز با همین عنوان شهرت دارد و باید این لقب را مربوط به اجداد بالاتر وی دانست. سمعی ذیل عنوان منادی، یکی از صاحبان آن را محمد بن عبیدالله می‌داند و در نتیجه این لقب مربوط به محمد، پدر بزرگ مؤلف کتاب ملاحم است. وی همچنین گفته است منادی لقب کسی است که اشیاء را برای فروختن یا پیدا شدن صاحبش جار می‌زند.<sup>۶</sup>

خطیب بغدادی، ابوالحسین بن منادی را با اوصافی چون ثقه، امین، راست‌گو و پرهیزکار ستوده و گروهی از استادان حدیثی وی را نام برده است که از آن جمله می‌توان به پدر بزرگش محمد و ابوداود سجستانی صاحب سنن اشاره کرد. وی همچنین داستانی نقل کرده که نشان دهنده شدت توجه ابن منادی به صداقت راویان است:

ابوالحسن بن صلت گوید: وقتی برای شنیدن حدیث نزد ابن منادی می‌رفتیم، پیش از ورود، تعداد کسانی را که قرار بود از درس او استفاده کنیم، اعلام می‌کردیم. یک روز دو نفر به ما اضافه شدند و ما آنها را به حساب نیاوردیم. وقتی وارد شدیم و استاد متوجه این موضوع شد، از نقل حدیث خودداری کرد. تصور کردیم برای او کاری پیش آمده است، اما وقتی از علت سؤال کردیم گفت: کسی که در بیان تعداد افراد صداقت ندارد، در موضوعات مهم‌تر (مانند حدیث) هم امانت‌دار نخواهد بود.

خطیب می‌افزاید که ابن منادی در امور دینی خشک و سخت‌گیر بود و به جهت اخلاق تندوی که داشت، روایات بسیاری از او به جا نمانده است.<sup>۷</sup> با این همه، در منابع رجالی اهل سنت از او با عظمت یاد شده<sup>۸</sup> و در کتب روایی آنان، احادیث فراوانی از او وجود دارد. وی به علم رجال هم آشنا بوده و در موارد فراوانی از جرح و تعدیل راویان، سخن او نقل شده است. کتب رجالی شیعه از ابن منادی یاد نکرده‌اند و توثیق یا تضعیفی درباره وی به چشم نمی‌خورد.

ابن ندیم، ابوالحسین بن منادی را اهل رصافه بغداد و غالب آثار وی را در زمینه علوم قرآنی یاد کرده و نوشته است:

در علوم گوناگون بیش از ۱۲۰ اثر بر جای گذاشت.<sup>۹</sup> تعداد آثار وی را تا چهارصد عدد هم نوشته‌اند.<sup>۱۰</sup> اما امروزه جز کتاب الملاحم او در دسترس نیست. کتاب متشابهه القرآن نیز تنها نسخه خطی از آثار بازمانده وی معرفی شده است.<sup>۱۱</sup>

## کتاب ملاحم

چنان‌که گفته شد، بر خلاف شیوه غالب محدثان اهل سنت که در موضوع پیش‌گویی‌ها از عنوان فتن استفاده می‌کنند، کتاب ابن منادی با عنوان الملاحم شهرت دارد. اما روشن نیست که این نام را خود او برگزیده باشد. مهم‌تر این‌که چنین اثری در فهرست‌های کهن و حتی متأخر به احمد بن منادی نسبت داده نشده است. گویا ابن بطریق، عالم شیعی قرن ششم، اولین کسی باشد که از این کتاب نام برده است. سید بن طاووس می‌گوید:

یکی از علمای شیعه کتابی با عنوان کشف المخفی فی مناقب المهدی نوشته و در آن ۱۲۰ روایت درباره مهدی از طریق اهل سنت آورده که از آن میان، ۴۳ حدیث از کتاب ملاحم ابن منادی است.<sup>۱۲</sup>

به نظر می‌رسد، عنوان «فتن» در میان اهل سنت و عنوان «ملاحم» در میان مؤلفان شیعه خصوصیتی داشته که در انتخاب نام کتاب به آن توجه کرده‌اند. ابوالحسین احمد بن جعفر بن محمد بن عبیدالله بن ابی داوود بغدادی معروف به ابن المنادی (۲۵۶-۳۳۶ قمری) از محدثان مشهور اهل سنت به شمار می‌رود.

ابن طاووس از مؤلف این کتاب نامی نبرده، اما به اعتقاد برخی این کتاب (کشف المخفی) از ابن بطریق (م ۶۰۰ قمری) است که روایات مهدویت را از ابن منادی از طریق مسند ابن حنبل آورده است.<sup>۱۳</sup> وی در کتاب العمده روایتی از ملاحم ابن منادی نقل می‌کند<sup>۱۴</sup> که در ملاحم موجود نیست. از این جا می‌توان احتمال داد که آن چه امروز به عنوان ملاحم ابن منادی موجود است، نسخه اصلی آن نیست.

در هر حال، با توجه به حنبلی بودن ابن منادی،<sup>۱۵</sup> بیان روایات مهدویت از زبان وی جالب توجه است. آن گونه که از مقدمه کتاب برمی‌آید، مؤلف آن را برای شخصی نوشته که از سختی‌های روزگار گله‌گزاری کرده و خوف آن می‌رفته که از مقام رضا و تسلیم فاصله بگیرد.

ابن منادی کتاب خود را به خوبی فصل‌بندی کرده و هر قسمت را به روشنی از بخش دیگر جدا نموده است. کتاب ملاحم از ۴۷ باب به ترتیب در موضوعات زیر تشکیل شده است: ابتدا پس از اشاره به آیاتی از قرآن درباره حوادث آینده، روایتی را از امام صادق علیه السلام ذکر می‌کند که در آن، سؤالات «فیهس» یهودی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پاسخ آن حضرت درباره تاریخ پادشاهان گذشته آورده شده است. باب چهارم به پیش‌گویی‌های «سطیح» کاهن و ابواب پنجم و ششم به کتاب دانیال اختصاص دارد که به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت. ابواب بعدی شامل احادیثی درباره حوادث و فتنه‌های پس از پیامبر است. از باب یازدهم به علائم آخرالزمان پرداخته شده، به گونه‌ای که در برخی از ابواب فقط به چند روایت کوتاه اشاره شده است. ذکر دجال، سفیانی، فتح قسطنطنیه، جنگ با ترک و بربر، مکان‌های امن، شورش زنگیان بصره و فتنه بغداد از جمله این روایات است. آن‌گاه دو باب (۲۲ و ۲۴) را به مهدی علیه السلام اختصاص داده و روایتی درباره فاطمی بودن آن حضرت نقل کرده است. پس از آن در باب‌های ۲۵-۳۴ به نشانه‌های ظهور پرداخته و به تفصیل از دجال سخن گفته است. مؤلف در بخشی از باب ۲۵، داستانی را از مقابله حسنی و سفیانی ذکر کرده که گویا تصور وی از برخی احادیث اهل سنت است. این داستان که به بیان مؤلف و بدون سند آورده شده، بر خلاف روایات مشهوری می‌نماید که سفیانی را مقابل مهدی علیه السلام می‌داند. به نظر می‌رسد، در اعتقاد ابن منادی، حسنی یکی از مهدی‌هاست؛ زیرا گاه تعبیر «مهدی حسنی» و گاه «مهدی حسینی» را به کار می‌برد. این مطلب از داستان پیروزی حسنی بر سفیانی و به خصوص از عنوانی که به باب ۳۵ داده، کاملاً آشکار است. در باب ۳۵ به نقل روایات مشهور «اثنی عشر ائمة خلیفة» از زبان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌پردازد و عنوان آن را «خلفای پس از حسنی» قرار می‌دهد. بنابراین، احمد بن منادی هم مانند دیگر دوستان سنی‌اش نتوانسته مفهوم و مصداق دوازده جانشینی را که پیامبر فرموده، درک کند. به همین دلیل، در ادامه همان باب می‌نویسد:

هیچ‌یک از استادان ما زمان خلافت این دوازده نفر قریشی را

نمی‌دانند، اما از کتاب دانیال استفاده می‌کنیم که اینان پس از مرگ مهدی به حکومت خواهند رسید.<sup>۱۶</sup>

در ادامه ابواب، به نشانه‌هایی دیگر از قبیل دابه، یاجوج و ماجوج، طلوع خورشید از مغرب و قحطانی پرداخته شده است. مصحح کتاب نوشته که ابن منادی کتابش را به سه بخش (الفتن، الملاحم و الزیادات فی الفتن و الملاحم) تقسیم کرده است.<sup>۱۷</sup> از این کتاب تنها یک نسخه باقی مانده که به سال ۱۲۷۰ قمری بازمی‌گردد.<sup>۱۸</sup>

### اعتبار کتاب

ملاحم ابن منادی با روی کردی غیرشیعی نوشته شده و راویان آن از راویان اهل سنت هستند. حتی در مواردی از کتاب مانند باب‌های چهارم و پنجم، تمامی روایات موقوف است و سند آن به معصوم نمی‌رسد. طبیعی است چنین روایاتی که از صحابه یا تابعین نقل شده و فقط سخن آنان را بیان می‌کند، در میان محدثان شیعه اعتباری ندارد. یکی از ملاک‌های تشخیص اعتبار کتاب، نقل دیگران از آن است. با آن که محدثان اهل سنت و گاه شیعه از ابن منادی فراوان یاد کرده و احادیث او را در کتب خود آورده‌اند، به ندرت از کتاب ملاحم او نام برده‌اند. حتی سید بن طاووس که از چنین کتاب‌هایی نقل می‌کرده، این کتاب را در اختیار داشته و از آن حدیثی نقل نکرده است.<sup>۱۹</sup> دیگر عالمان متقدم شیعه نیز از این کتاب روایت نکرده‌اند. در مجموع باید گفت آن چه از احادیث این کتاب در منابع دیگر موجود است و قرینه بر صحت آن وجود دارد، پذیرفتنی است و منفردات آن که غالب روایات این کتاب را تشکیل می‌دهند، محل بررسی و تأمل است.

ابن منادی روایات را به سند خود از راویان متعدد نقل کرده و از منابع خود مگر کتاب دانیال نام نبرده است. از آن جا که کتاب دانیال از مهم‌ترین منابع ابن منادی به شمار می‌رود، در این جا به تفصیل درباره آن سخن می‌گوییم.

### کتاب (ملحمه) دانیال

آن چه با عنوان کتاب دانیال شناخته شده و شهرت دارد، بخشی از عهد عتیق است. اما در منابع اسلامی گاه از کتابی سخن گفته می‌شود که درباره علوم غریبه مانند رمل و نجوم و پیش‌گویی‌هایی درباره آینده است و این مطالب غیر از آن می‌نماید که در تورات وجود دارد. به هر حال، نمی‌توان ارتباط آن دو را با هم انکار نمود؛ زیرا آن چه در منابع اسلامی درباره آینده جهان و نشانه‌هایی از آخرالزمان آمده، در بخش آخر کتاب دانیال عهد قدیم نیز اشاره‌ای بدان شده است.

تمام کسانی که از کتاب دانیال نقل کرده‌اند، آن را به دانیال نبی منسوب می‌دانند. بنابراین، تشابه اسمی یا انتساب به شخصی هم‌نام آن پیامبر در میان نیست. از این رو، نگاهی گذرا به زندگی نویسنده کتاب

می‌اندازیم: ۲۰

حضرت دانیال عَلَيْهِ السَّلَام، ۲۱ از پیامبران بنی‌اسرائیل به شمار می‌رود که در قرن ششم پیش از میلاد می‌زیسته است. بنا به روایت کتاب مقدس و منابع تاریخی، نبوکد نصر (بختنصر)، پادشاه بابل، عده بسیاری از مردم مصر و فلسطین را به اسارت کشید که دانیال از جمله آنان بود. ۲۲ او خواب‌های پادشاه را تعبیر کرد و نزد او مقام یافت تا آن‌جا که دشمنان بر او حسد بردند و درباره‌اش سخن‌چینی کردند و بدین سبب، دانیال گرفتار زندان شد. حتی پادشاه درندگانی را به چاه یا گودالی فرستاد که او در آن زندانی بود، اما آن درندگان به دانیال آسیبی نرساندند. ۲۳ شیخ صدوق روایت می‌کند که این پیامبر نود سال در دست نبوکد نصر اسیر بود و چون در رؤیا دید که از سوی آسمان فرشتگانی به زمین می‌آیند و در چاهی می‌روند که او زندانی است، از کرده خویش پشیمان شد و او را آزاد کرد و ضمن عذرخواهی، امر قضاوت را به او سپرد. ۲۴

پس از اسلام و هنگام فتح ایران که ابوموسی اشعری از منطقه شوش گذر می‌کرد، به جسدی دست یافت که وقتی از آن پرسید، گفتند دانیال نبی است که هرگاه قحطی شود، اهل بابل به آن توسل می‌جویند تا باران ببارد. ابوموسی خبر کشف این جسد را به خلیفه وقت نوشت و عمر دستور داد آن را کفن و دفن کنند. ۲۵ بنا به گزارش ابن‌اعثم، خلیفه از صحابه استمداد کرد و امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام تنها کسی بود که از دانیال آگاهی داشت و عمر را در این موضوع راهنمایی کرد و فرمود آب نهر را بر قبر او جریان دهند تا دشمنانش به قبر دست نیابند. ۲۶

### پیشینه

در منابع اسلامی که از کتاب دانیال نام برده می‌شود، منبع و مصدق برای آن ارائه نشده است. گفته می‌شود کتاب دانیال را همراه با جسد او در شوش یافته‌اند.

مطرف بن مالک قشیری گوید:

همراه ابوموسی اشعری در فتح شوشتر حضور داشتم، وقتی جسد دانیال را یافتیم، بسته‌هایی هم در کنار آن بود که در یکی از آنها کتاب دانیال وجود داشت و آن را به شخصی مسیحی فروختیم. ۲۷

هم‌چنین از مطرف بن عبدالله گزارش شده که گفت:

در سفری که به بیت‌المقدس رفته بودیم، کعب‌الاحبار را دیدیم که در میان جمعی ایستاده و بزرگ یهودیان درباره علت اسلام آوردنش از او می‌پرسد. کعب از ما خواست پاسخ او را بدهیم. شخصی از میان جمع ما که بهترین ما به شمار می‌رفت، کتابی را به گروه ارائه کرد که آنان را تحت تأثیر قرار داد و باعث اسلام آوردنش‌شان شد. او گفت این کتاب دانیال است که در روز فتح شوش به بیست درهم خریده است.

این دو خبر ممکن است این تصور را ایجاد کنند که کتاب دانیال در زمان کشف جسد او یعنی حدود سال ۲۱ هجری پیدا شده است، اما روایاتی نشان می‌دهند کتاب دانیال پیش از آن هم شهرت داشته و افرادی آن را در اختیار داشته‌اند. بر اساس برخی اخبار شیعی، ابوبکر و عمر با اطلاع از این کتاب دریافته‌اند که حکومت پیامبر اسلام جاودانی خواهد شد. از این‌رو، به او پیوستند. ۲۸

در خبر دیگری به نقل از جریر بن عبدالله بجلی آمده است:

رسول خدا مرا نزد ذوالکلاع فرستاد. هنگام برگشت از مأموریتیم به راهی برخورد کردم و از رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با او سخن گفتم. وی گفت: پیامبر شما هم‌کنون از دنیا رفت. گفتم از کجا می‌دانی؟ گفت در کتاب دانیال می‌نگریستم، دیدم کسی که اوصاف پیامبر شما را دارد، در این زمان از دنیا می‌رود. جریر می‌گوید وقتی به مدینه بازگشتم، مطلب را درست یافتم. ۲۹

به این ترتیب، اگر گزارش کشف جسد دانیال و کتاب او را در عهد خلیفه دوم بپذیریم، خواهیم

بر خلاف شیوه غالب محدثان اهل سنت که در موضوع پیش‌گویی‌ها از عنوان فتن استفاده می‌کنند، کتاب ابن‌منادی با عنوان م‌حلاما شهرت دارد. با توجه به جنبلی بودن ابن‌منادی،<sup>۱۵</sup> بیان روایات مهدویت از زبان وی جالب توجه است.

گفت آن چه در کنار جسد یافت شده، نسخه‌ای از کتاب دانیال بوده و این بدان معنا نیست که کتاب، پیش از آن در دسترس نبوده است. ابن طاووس تصریح می‌کند که یهودیان آن را در اختیار داشته‌اند.<sup>۳۰</sup> او همچنین می‌گوید نسخه‌ای از کتاب دانیال را یافته، اما بیان نمی‌کند که آن را از کجا و با چه مدرک و سندی به دست آورده و راویان آن چه کسانی هستند. بنابراین، روشن نیست که اصل این کتاب از کجا آمده است. همچنین نمی‌توان این کتاب را همان جزئی که در کتاب مقدس آمده بدانیم؛ زیرا مطالبی که از آن نقل می‌شود، با آن چه در کتاب مقدس آمده متفاوت است.

علاوه بر جایگاهی که این کتاب نزد یهود و مسیحیت دارد و چنان که گفته شده، مسیحیان نشانه‌هایی برای تولد حضرت عیسی علیه السلام از آن کتاب در دست داشته‌اند،<sup>۳۱</sup> در منابع اسلامی نیز مطالبی به کتاب دانیال نسبت داده می‌شود که روایات آن بررسی شدنی است. البته اصل این آگاهی‌ها نیز از منابع غیراسلامی سرچشمه می‌گیرد. گفته شده شخصی در زمان خلیفه دوم از کتاب دانیال مطالبی بیان می‌کرد که چون به گوش خلیفه رسید، او را منع کرد و با اشاره به آیه «أحسن القصص»<sup>۳۲</sup> در قرآن گفت: آیا داستانی بهتر از آن چه قرآن می‌گوید، یافت می‌شود؟<sup>۳۳</sup>

هنگامی که طبری خبر استمداد عمرو بن سعید والی اموی مدینه از عبدالله بن عمرو بن عاص را در موضوع ابن زبیر نقل می‌کند، می‌نویسد: عبدالله مدتی که در مصر بوده، از کتاب‌های دانیال آگاهی پیدا کرده بود و به همین دلیل، قریش او را عالم می‌شمرد.<sup>۳۴</sup> اطلاع ولید بن یزید خلیفه اموی از سلطنت آینده بنی‌عباس به وسیله کتاب دانیال نمونه دیگری از این مطلب است.<sup>۳۵</sup> در برخی کتب شیعه روایتی طولانی از امام صادق علیه السلام وجود دارد که امام به نقل از کتاب دانیال، احکام نجومی روزهایی از ماه محرم را بیان می‌کند.<sup>۳۶</sup> مهم‌ترین اخباری که از کتاب دانیال نقل می‌شود، درباره احوال آخرالزمان یا حکومت مهدی علیه السلام است.<sup>۳۷</sup> در این میان، کهن‌ترین منبعی که بیشترین مطالب را درباره کتاب دانیال دربردارد، کتاب ملاحم ابن منادی است. در ادامه در این موضوع بیشتر سخن خواهیم گفت.

## مطالب کتاب

آنچه امروزه شهرت دارد و مکرر چاپ شده، کتاب تعبیر خواب دانیال است که همراه تعبیرهای ابن سیرین و گاه تعبیرهای منسوب به امام ششم منتشر می‌شود. اما آنچه با عنوان ملاحم دانیال امروزه در برخی کتاب‌خانه‌های معتبر می‌توان یافت (تا آن‌جا که نگارنده جست‌وجو کرده)، دو نسخه زیر است:

۱. **ملحمة دانیال** که جزوه‌ای کوچک است و چند دهه قبل توسط چاپ‌خانه حیدریه نجف اشرف به صورت سنگی منتشر شده و روی آن چنین نوشته است: «ملحمة دانیال المنسوبة الی دانیال النبی علیه السلام».

این نسخه شناسه دیگری ندارد و در آن نامی از مؤلف یا تنظیم کننده نیست. در ابتدای این کتاب چنین آمده است:

دانیال، این مطالب را از کتاب‌هایی که آدم علیه السلام در غار به ودیعه نهاده بود، نقل کرده است. این کتاب در صندوقی بوده که قفل آن سالی یک‌بار در روز عاشورا باز می‌شده است.

مطالب این نسخه درباره ماه‌های سال و پیش‌گویی‌های نجومی است و این که اگر فلان ماه چه خصوصیتی داشته باشد چه اتفاقاتی رخ خواهد داد. مثلاً در صفحه پنجم می‌خوانیم:

قال دانیال إن دخلت السنة يوم الأحد كان مولدها الأسد...

و در صفحه ۲۲:

قال دانیال إن ولدت السنة بالمیزان و الزهرة لها من النواحي القبلة و أكثر بلاد الغرب فتشده رياح السموم و یكثر الخسف و الزلازل.

۲. «ملهمه»! دانیال<sup>۳۸</sup> که به علامه مجلسی منسوب است و سال‌ها قبل توسط کتاب‌فروشی اسلامیة تهران به صورت سنگی چاپ شده است. مطالب این جزوه چیزی جز کتاب تفلیسی نیست که از آن نام خواهیم برد؛ زیرا اولاً علامه مجلسی چنین کتابی نداشته و در بحارالأنوار یا الذریعة یا کتب دیگر که از ملحمة دانیال نام برده شده، سخنی از این تألیف نیست؛ ثانیاً فقط بر روی جلد از علامه مجلسی نام برده شده و در اثنای کتاب نامی از مؤلف وجود ندارد، بلکه در حاشیه صفحه نوشته است: «به قولی مؤلف نجیب‌الدین اصفهانی است»؛ ثالثاً در مقدمه این نسخه همان کلماتی که آقابزرگ از مقدمه نسخه تفلیسی یاد کرده، آمده است.<sup>۳۹</sup>

بررسی بیشتر نشان می‌دهد که علت انتساب این کتاب به علامه مجلسی آن است که در حاشیه یکی از چاپ‌های کتاب اختیارات علامه مجلسی، که در موضوع نجوم نوشته شده،<sup>۴۰</sup> کتابی با عنوان اصول ملحمة آمده است که در آخر کتاب از حاشیه به متن منتقل شده و بعدها به اعتبار کتاب اختیارات، به مرحوم مجلسی نسبت داده شده است. با مراجعه به این نسخه، این نکته هم روشن می‌شود که ملحمة دانیال بر خلاف تصویری که از نام آن می‌شود، در موضوع نجوم است و ارتباطی به پیش‌گویی یا ملاحم آخرالزمان ندارد.

از سوی دیگر، فهرست‌نویسان کهن، نامی از کتاب دانیال نمی‌برند. ابن ندیم تنها از کتاب دانیالی که جزء تورات است، نام برده<sup>۴۱</sup> و از کتاب دانیالی که در منابع اسلامی آمده و از آن روایت می‌کنند، نامی نمی‌برد. فهرست‌نویسان متأخر مانند حاجی خلیفه و آقابزرگ از کتابی با عنوان **ملحمة دانیال** نام می‌برند که تألیف کمال‌الدین ابراهیم بن حبیب تفلیسی (۶۲۹ قمری) پزشک و منجم است.<sup>۴۲</sup> این قدیمی‌ترین کتابی است که به طور مشخص به دانیال نبی نسبت داده می‌شود و مطالب آن درباره نجوم است.

در منابع کهن و معتبر شیعه مانند کتب اربعه یا مؤلفات بزرگان شیعه مانند شیخ مفید، از این کتاب و مطالب آن سخنی به چشم نمی‌خورد و آنچه هست، درباره سده‌های متأخر است. ابن طاووس (م ۶۶۴ قمری) در *کشف المحجبه* می‌نویسد: به کتاب دانیال دست یافتیم که خلاصه کتاب ملاحم است و آن اکنون نزد ماست.<sup>۴۳</sup> از عبارت سید استفاده می‌شود که دست کم خلاصه‌ای از کتاب دانیال نزد وی وجود داشته است. افندی صاحب *ریاض العلماء* در مطالبی که خطاب به استادش علامه مجلسی نوشته و در خاتمه *بحار الأنوار* آمده، می‌نویسد: از جمله کتاب‌هایی که خوب است به *بحار الأنوار* ملحق شود، کتاب ملاحم دانیال است که سید بن طاووس در *کشف المحجبه* گفته آن را خلاصه کرده یا در کتاب‌خانه‌اش دارد. سپس افندی می‌افزاید که این از جمله کتبی است که من برای شما (مجلسی) خریدم.<sup>۴۴</sup> با این حال گویا مرحوم مجلسی به این گونه کتب چندان اعتمادی نداشته که از آنها نقل نکرده است. وی پس از نقل روایتی درباره نجوم که گفته شده امام صادق علیه السلام از کتاب دانیال نقل کرده، می‌نویسد: در بعضی از کتاب‌های کهن مطالب و اخباری طولانی در موضوع ملاحم و احکام نجوم یافتیم که به دلیل عدم اعتماد بر اسناد، آنها را نقل نمی‌کنم، هر چند این اخبار از امام صادق علیه السلام یا دانیال روایت شده است.<sup>۴۵</sup> آقا بزرگ هم به نقل از مجلسی می‌نویسد: کتاب دانیال به امام صادق علیه السلام مشهور است، با وجود این من اعتماد چندانی به آن ندارم.<sup>۴۶</sup>

غالباً هر کتابی پیشینه‌ای دارد که سند اعتبار آن بوده و اهمیت کتاب وابسته به آن سابقه است. این که روایت‌گران آن در طول قرن‌ها چه کسانی بوده‌اند و یا نویسندگان از کجا مطالب آن را نقل کرده‌اند، نکاتی مهم درباره یک کتاب یا نوشته است. ابن منادی درباره مصدر خود نسبت به این کتاب می‌نویسد: این کتاب از بزرگان اهل کتاب شنیده شده و ایشان آن را جز به افراد مورد اعتماد نمی‌داده‌اند؛ چون پیش‌گویی‌های مهمی در آن وجود دارد. اما این نویسنده که گفتیم قدیمی‌ترین راوی تفصیلی اخبار ملاحم از دانیال است، هیچ‌گونه سند معتبر یا مصدر و پیشینه‌ای برای گفته‌های خود بیان نمی‌کند. مهم‌ترین بخشی که ابن منادی از کتاب دانیال نقل می‌کند، روایتی ۳۶ صفحه‌ای است که وی سند آن را این گونه ذکر می‌کند: به من خبر داد ابوسلیمان عبدالله بن جریر جوالبقی و گفت: مردی از اهل کتاب که معروف به جمع‌آوری ملاحم است، به او خبر داده است.<sup>۴۷</sup> این تمامی سندی است که ابن منادی درباره خبری مفصل از کتاب دانیال ارائه می‌کند.

نیز هیچ دلیلی بر صحت و استناد کتاب *ملحمه* (یا *ملهمه*) دانیال وجود ندارد، بلکه در آن مطالبی آمده که نشان می‌دهد انتساب آن به دانیال نبی درست نیست. در نسخه چاپ نجف به این چند کلمه بسنده شده که «*ملحمة دانیال من الکتب الجلیلة الصادقه*» در پشت برگه اول هم از سید نعمت‌الله جزایری این چنین نقل شده که: این نشانه‌هایی است که خداوند برای پیامبرش دانیال بیان کرده و ما آن را تجربه کرده و درست یافته‌ایم و این خود دلیل بر صحت مطالب آن است. در میان کتاب هم تعبیراتی به کار رفته که انتساب آن با چنین اسناد و مدارکی به دانیال (شش قرن پیش از میلاد) کاملاً غیر علمی است.

بنابر آنچه گفته شد، مطالبی که ابن منادی در کتاب خود به نقل از دانیال نبی آورده و آن را وحی الهی معرفی می‌کند،<sup>۴۸</sup> علاوه بر نداشتن منبع و سندی اعتنا و اعتمادپذیر، مطالبی داستان‌گونه است که گویا قصه‌پردازان قرون اولیه آن را ساخته و پرداخته و نام کتاب دانیال بر آن نهاده‌اند.

در بغداد مردی بود که به «دانیالی» شهرت داشت و مدعی بود که کتاب‌های قدیمی دارد. او آن کتاب‌ها را به دانیال پیامبر نسبت می‌داد. دانیالی کتاب‌هایی شبیه خط کهنه می‌نوشت و در آنها با رموز و اشارات نام افراد را با آنچه به آن امید داشتند، می‌آورد و در بین درباریان موقعیتی پیدا کرده بود. مورخان نمونه‌ای از حیل‌های او را به منظور وزارت رسیدن یکی از دوستانش گزارش کرده‌اند.<sup>۴۹</sup>

به نظر می‌رسد، در اعتقاد ابن منادی، حسنی یکی از مهدی‌هاست؛ زیرا گاه تعبیر «مهدی حسنی» و گاه «مهدی حسینی» را به کار می‌برد. ملاحم ابن منادی با روی‌کردی غیر شیعی نوشته شده و روایان آن از روایان اهل سنت هستند.

## ابن منادی و کتاب دانیال

مطالب موجود در نسخه ملحمه دانیال، هیچ شباهتی به آن چه ابن منادی در کتابش نقل کرده، ندارد. ابن منادی دو فصل از کتاب خود را (بیش از پنجاه صفحه) به موضوع کتاب دانیال اختصاص داده است؛ ابتدا درباره اعتبار کتاب دانیال و سپس پیش‌گویی‌های آن درباره نشانه‌های آخرالزمان و مهدی عجل الله فرجه سخن می‌گوید. اخباری که وی در موضوع اهمیت و اعتبار کتاب دانیال ذکر کرده، از صحابه یا تابعین است و در این میان کعب الاحبار جایگاه ویژه‌ای دارد. در منابع دیگر هم وقتی از کتاب دانیال سخن در میان است، نام کعب بیش از دیگران به چشم می‌خورد. روشن نیست این همه نام بردن از کعب در این موضوع بر اعتبار کتاب دانیال می‌افزاید، یا از آن می‌کاهد. چون کعب الاحبار (نامش کعب بن ماتهع، اهل یمن و از قبیله حمیر) در زمان پیامبر موقعیتی نداشته، بلکه در عهد خلیفه دوم اسلام آورده و به مدینه آمده و در نزد خلیفه دوم جایگاه عظیمی یافته است. به گفته ابن ابی‌الحدید، کعب از امیر مؤمنان علیه السلام روی گردان بوده و آن حضرت او را دروغ‌گو می‌خوانده است.<sup>۵۰</sup> کعب الاحبار قرن‌ها مورد وثوق و اطمینان مسلمانان بوده و نقل‌هایش کتاب‌های تفسیری و تاریخی را پر کرده است. با وجود این،

امروزه حتی عالمان اهل سنت نیز درباره گفته‌های او تردید دارند. کعب از کسانی به شمار می‌رود که به وارد کردن اخبار یهود (اسرائیلیات) در اسلام شهرت دارد. نمونه‌ای از این مطلب را طبری در موضوع خلقت خورشید و ماه آورده و نوشته است: ابن عباس از گفته کعب خشمگین شد و سه مرتبه گفت: «کعب دروغ گفته است... این مطلب از یهودیان است که او می‌خواهد در اسلام وارد کند.»<sup>۵۱</sup>

در بخش دیگری که ابن منادی، مؤلف حنبلی الملاحم، از کتاب دانیال آورده، با اشاره به خلافت معتمد عباسی و حاکمان پس از او، به تفصیل درباره ظهور سفیانی که نامش را عبسه بن هند دانسته و مقابله او با حسنی، سخن گفته شده است. مطالبی که در این جا درباره سفیانی و حسنی بیان شده، در روایات شیعه و حتی در منابع عامه به ندرت یافت می‌شود و یا اصلاً وجود ندارد. سید بن طاووس هم بنا به شیوه معمول خود به خصوص در کتاب ملاحم (التشریف بالمنن) که از منابع عامه فراوان نقل می‌کند، مطالبی از کتاب دانیال گزارش کرده است. در کتاب عقد الدرر نیز که مؤلف آن (سلمی شافعی)، تقریباً معاصر سید به شمار می‌رود، مطالبی منسوب به این کتاب وجود دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## فهرست منابع :

- قرآن كريم؛  
كتاب مقدس؛  
اخبار الدولة العباسية؛ مؤلف مجهول قرن سوم؛ تحقيق عبد العزيز الدورى و عبد الجبار المطلبى بيروت: دارالطبعة،  
١٣٩١ق؛  
الاقبال؛  
الانساب، عبدالكريم بن محمد السمعانى، بيروت: دارالجنان، ١٤٠٨؛  
انساب الأشراف؛ احمد بن يحيى البلاذرى (م ٢٧٩)، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى؛ بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ ق؛  
بحار الأنوار؛ علامه محمدباقر مجلسى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق؛  
البدء والتاريخ؛ مطهر بن طاهر المقدسى؛ بيروت: دار صادر، ١٩٠٣ م؛  
تاريخ الطبرى (تاريخ الأمم و الملوك) محمد بن جرير طبرى (م ٢١٠)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم؛ بيروت: دارالتراث  
العربى، ي تا؛  
تاريخ بغداد، احمد بن على خطيب بغدادى، (م ٤٦٢)، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٧؛  
التشريف بالمنن (الملاحم)؛ سيد بن طاووس، تحقيق مؤسسه صاحب الامر، اصفهان، گلپهار، ١٤١٦.  
الخرائج و الجرائح، قطب راوندى، قم، مدرسه امام مهدى؛  
الذريعة الى تصانيف الشيعة، آقا بزرگ تهرانى (م ١٣٨٩)، بيروت، دار الأضواء، ١٤٠٣؛  
رجال النجاشى، تحقيق النائينى، بيروت: دارالاضواء، ١٤٠٨؛  
سير اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبى (م ٧٤٨)، تحقيق شعيب الاناؤوط، مؤسسة الرساله، ١٤١٣؛  
شذرات الذهب، ابن عماد الحنبلى، بيروت: دار ابن كثير، ١٤٠٦؛  
شرح نهج البلاغه، عبد الحميد ابن ابى الحديد (م ٦٥٦)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دار احياء الكتب العربيه،  
١٣٧٨؛  
طبقات المنايله، ابن ابى يعلى،  
الطوائف، سيد ابن طاووس، قم: بي نا، ١٣٩٩.  
العمده، ابن بطريق، قم: جامعه مدرسين، ١٤٠٧.  
فتح البارى بشرح صحيح البخارى؛ احمد بن على العسقلانى (م ٨٥٢)؛ تحقيق بن باز، بيروت: دارالفكر، ١٤١١ ق؛  
الفتوح، احمد بن اعثم، (م ٣١٤)، تحقيق على شيرى، بيروت، دار الاضواء، ١٤١١ ق؛  
فتوح البلدان، احمد بن يحيى بلاذرى (م ٢٧٩)، قاهره، مكتبة لجنة البيان العربى، ١٣٧٩؛  
الفهرست، ابن نديم، محمد بن اسحاق (م ٣٨٥)، تحقيق رضا تجدد؛  
كتابخانه سيد ابن طاووس، اتان كوبرك، ترجمه قرائى / جعفرىان، كتابخانه مرعشى، قم ١٣٧١.  
كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون، مصطفى بن عبدالله حاجى خليفه (م ١٠٦٧)، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٣؛  
كشف المحجبه، سيد بن طاووس، نجف، حيدريه، ١٣٧٥ ق؛  
كمال الدين و تمام النعمه؛ ابو جعفر محمد بن على ابن بابويه (شيخ صدوق)، م ٢٨١) تحقيق على اكبر غفارى قم: جامعه  
مدرسين، ١٤٠٥ ق؛  
مروج الذهب و معادن الجواهر؛ على بن الحسين المسعودى؛ تحقيق محمد محبى الدين؛ بيروت: دارالفكر ١٤٠٩؛  
المصنف، ابن ابى شيبه (م ٢٣٥)، تحقيق سعيد محمد لحام، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٩؛  
المصنف؛ عبدالرزاق بن همام صنعانى (م ٢١١)؛ تحقيق اعظمى؛ بيروت: منشورات المجلس العلمى، ١٣٩٢ ق؛  
الملاحم، ابن المنادى احمد بن جعفر، تحقيق العقبلى قم: دارالسيره، ١٤١٨ ق.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. الفتق ابن حماد، الفتق ابوعمر و دانی، الفتق حنبل بن اسحاق، الفتق سلیمی، الفتق زکریا بن یحیی، الفتق ابونعیم اصفهانی و الفتق و الملاحم ابن کثیر (آخرین بخش از کتاب البدایة و النهایة)، نمونه‌هایی از تألیفات مستقل اهل سنت در این موضوع است.
  ۲. رجال النجاشی، تحقیق نائینی، ج ۱، ص ۱۳۳ و ۳۰۳، انتشارات دارالآیة، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
  ۳. نک: مقدمه این کتاب، چاپ مؤسسه صاحب‌الامر.
  ۴. نک: لسان العرب، ذیل ماده لحم.
  ۵. شذرات الذهب، ج ۴، ص ۱۹۷، انتشارات دار ابن کثیر، بیروت ۱۴۰۶ قمری.
  ۶. الانساب، ج ۵، ص ۳۸۵، انتشارات دارالجنان، بیروت ۱۴۰۸ قمری.
  ۷. تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۴، ص ۶۹، انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۷ قمری.
  ۸. برای نمونه نک: محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارناؤوط، ج ۱۵، ص ۳۶۱، انتشارات مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ قمری.
  ۹. الفهرست، تحقیق رضا تجدد، ص ۴۱.
  ۱۰. طبقات الحنابلہ، ج ۲، ص ۷.
  ۱۱. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۶۹۴.
  ۱۲. الطرائف، ص ۱۷۹ - ۱۸۰، بی‌نا، قم ۱۳۹۹ قمری.
  ۱۳. اتان کولبرک، کتاب‌خانه ابن‌طاووس، ترجمه قوائی و جعفریان، ص ۲۵۵، انتشارات کتاب‌خانه مرعشی، قم ۱۳۷۱ شمسی.
  ۱۴. ص ۴۷۲، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۷ قمری.
  ۱۵. ابن ابی‌علی در طبقات الحنابلہ، ج ۲، ص ۶ و ۷، از ابن‌منادی یاد کرده است.
  ۱۶. الملاحم، تحقیق العقیلی، ص ۲۷۲، انتشارات دارالسیره، قم ۱۴۱۸ قمری.
  ۱۷. همان، ص ۱۱ (مقدمه).
  ۱۸. همان، ص ۱۲.
  ۱۹. نک: التشریف بالمنن، تحقیق مؤسسه صاحب‌الامر، ص ۱۱۰ و ۳۷۳، انتشارات گلپهار، اصفهان ۱۴۱۶ قمری و مقایسه کنید با ملاحم ابن‌منادی، ص ۱۴۹ و ۱۹۶.
  ۲۰. برای اطلاع بیشتر از زندگی دانیال نبی و رخدادهای عهد او، به کتاب مقدس یا منابع تاریخ اسلام رجوع کنید! دهخدا نیز آگاهی‌هایی سودمند ذیل این نام ارائه کرده است.
  ۲۱. در تورات، شهرت اصلی دانیال «بلطشصر» بیان شده است. (نک: کتاب دانیال) البته در همان‌جا از شخص دیگری نیز با عنوان «بلشصر» نام برده می‌شود که فرزند پادشاه زمان است. (نک: محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، ص ۲۰۵، انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۷ قمری)
  ۲۲. نک: علی بن الحسین المسعودی، مروج الذهب، تحقیق محمد محی‌الدین، ج ۱، ص ۵۳۹، انتشارات دارالفکر، بیروت ۱۴۰۹ قمری.
  ۲۳. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۸۹، (بعدها این چاه با عنوان «جَبّ دانیال» شهرت یافته است. در این باره نک: مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۴۷)
  ۲۴. نک: علی بن بابویه، کمال‌الدین و تمام النعمه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ص ۱۵۷، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۵ قمری؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۴۴.
  ۲۵. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۶۷، انتشارات مکتبه لجنة البیان العربی، قاهره ۱۳۷۹ قمری؛ عبدالرزاق، المصنف، تحقیق اعظمی، ج ۸، ص ۱۱۱، انتشارات مجلس علمی، بیروت ۱۳۹۲ قمری؛ مطهر بن طاهر المقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵،
۲۶. احمد بن اعثم، الفتوح، تحقیق علی شیرازی، ج ۲، ص ۲۷۴، انتشارات دارالآیة، بیروت ۱۴۱۱ قمری.
  ۲۷. عبدالرزاق، المصنف، ج ۸، ص ۱۱۱؛ ابن ابی‌شبهه، المصنف، تحقیق سعید محمد لحم، ج ۸، ص ۳۱، انتشارات دارالفکر، بیروت ۱۴۰۹ قمری.
  ۲۸. کشف‌المحجّه، ص ۶۱، انتشارات حیدریه، نجف ۱۳۷۵ قمری؛ بحارالأنوار، ج ۳۰، ص ۳۹۷، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
  ۲۹. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۱۸، انتشارات مدرسه امام مهدی، قم. کشف‌المحجّه، ص ۶۱.
  ۳۱. برای نمونه نک: تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۵۹۶.
  ۳۲. «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ»؛ «ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو حکایت می‌کنیم، و تو قطعاً پیش از آن از بی‌خبران بودی.» (سوره یوسف، آیه ۳)
  ۳۳. احمد بن یحیی البلاذری، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۱، ص ۳۷۱، انتشارات دارالفکر، بیروت ۱۴۱۷ قمری؛ المصنف عبدالرزاق، ج ۶ ص ۱۱۴، برخی نهی عمر را در راستای سیاست «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» دانسته‌اند. (ابن‌منادی، الملاحم، پاورقی ص ۷۵)
  ۳۴. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۷۷.
  ۳۵. اخبار الدولة العباسیه، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلیبی، ص ۱۶۹.
  ۳۶. بحارالأنوار، ج ۵۵، ص ۳۳۱.
  ۳۷. برای نمونه نک: همان؛ فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۸۴.
  ۳۸. مشخصات چاپ چنین است: سنگی، ۵۲ صفحه، انتشارات کتاب‌فروشی اسلامیة، تهران. ضمناً «ملحمه» درست است، لیکن بر روی این کتاب و داخل آن «ملهمة» آمده است.
  ۳۹. نک: الذریعه، ج ۲، ص ۲۰۱، انتشارات دارالآیة، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
  ۴۰. این کتاب به صورت سنگی در سال ۱۳۵۷ قمری چاپ شده است.
  ۴۱. الفهرست، ص ۲۵.
  ۴۲. حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۲، ص ۱۸۱۸، انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۳ قمری؛ الذریعه، ج ۲، ص ۲۰۱ و ۲۱۲.
  ۴۳. کشف‌المحجّه، ص ۶۱؛ بحارالأنوار، ج ۳۰، ص ۳۹۷.
  ۴۴. همان، ج ۱۰۷ یا ۱۱۰، ص ۱۷۲؛ الذریعه، ج ۲۲، ص ۱۸۸.
  ۴۵. بحارالأنوار، ج ۵۵، ص ۳۳۱.
  ۴۶. الذریعه، ج ۲۲، ص ۲۰۲.
  ۴۷. أخبرني ابوسليمان عبدالله بن جرير الجواليقي قال أخبرني رجل من أهل الكتاب موصوف بجمع الملاحم. (الملاحم، ص ۷۶)
  ۴۸. ... قال دانیال: إلى هذا القول انتهى وحى الله تعالى. (همان، ص ۱۱۰)
  ۴۹. تاریخ الطبری، ج ۱۱، ص ۲۶۶؛ الكامل، ج ۹، ص ۲۳۰.
  ۵۰. شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۴، ص ۷۷، انتشارات دار احیاء الکتب العربیه، بیروت ۱۳۷۸ قمری؛ درباره اعتراض ابودر به کعب هم نک: همان، ج ۳، ص ۵۴.
  ۵۱. تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۴۴ و ۵۱.